روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

شنبه ۱ مهر ۱۴۰۲ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۸۹۱

مهار تورم و رشد تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
منت گذاشتن، عمل نیک را تباه می‌کند.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۷ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۰
■ اذان مغرب: ۱۸:۱۹ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۵
■ اذان صبح فردا: ۴:۳۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۳

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: فرشاد عباسی

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
■ دبیر: علی ترابی
شهرنگار:
■ مدیر: سیمین برادران
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد:
■ مدیر: سروش خسروی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
ایرانشهر:
دبیر: زهرا عباسی

خانواده:
■ مدیر: محدث تک فلاح
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: عاطفه مرآتی
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: محمد کرباسی
■ دبیر: ساسان شادمان
فرهنگ شهر:
دبیر: فرزام شیرزادی

۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی
■ دبیر: مهلا داریان
همشهری جمعه:
■ مدیر: پروانه بهرام نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
صفحه آخر:
دبیر: مسعود میر

طرح و گرافیک:
دبیر: محمدعلی حلیمی

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

حافظ
به جانت ای بت شیرین‌دهن که همچون شمع
شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

صفحه آخر

گرینویچ

تاراج خبرساز رستوران!

چند مشتری بی‌ملاحظه، مثل توفان به یک رستوران در استرالیا زده‌اند و چنان آنجا را به هم ریخته‌اند که کارشان به یک مسئله عمومی در این کشور و فراتر از آن تبدیل شده است. این مشتری‌ها که چند جوان بودند، نه فقط با پرسنل رفتار بدی داشتند بلکه بعد از رفتن، کوهی از آشغال و غذاهای مانده را روی میز، صندلی‌ها و حتی کف زمین جا گذاشتند. عکس‌ها و فیلم رفتار آنها حسابی در فضای مجازی دست به‌دست شده و حتی توجه رسانه‌ها را هم به‌خود جلب کرده است و مردم به‌شدت از این افراد انتقاد کرده است و گفته‌اند رفتارشان، باعث شرمساری آنها شده و برخی دیگر نوشته‌اند جای چنین مشتری‌هایی قعر جهنم است حتی رسانه‌های خارجی هم به این اتفاق واکنش نشان داده‌اند.

فرار در روز آزادی

یک زندانی در روسیه، بعد از ۲۲سال حبس، از زندان فرار کرده است، اما برای انتخاب زمان فرارش، کمی دیر و عجیب عمل کرده است؛ چون قرار بوده چند ساعت بعد رسما آزاد شود. این زندانی به‌خاطر جرائم سنگینی مثل مشارکت در قتل و دزدی و چیزهای دیگر به ۲۲سال حبس محکوم شده و قرار بود آزادی مشروط بگیرد و به کار اجباری فرستاده شود، اما مقامات گفته‌اند ساعت ۴بامداد روزی که قرار بوده آزاد شود، محل نگهداری‌اش را ترک کرده است و حالا رسما یک فراری به شمار می‌رود. او اخیرا به جایی منتقل شده‌است که زندان بدون دیوار به‌شمار می‌رود و نگهبان ندارد، اما ترک آنجا بدون اطلاع، فرار به شمار می‌رود. گویا او می‌خواهد با این کار، مدت بیشتری در این اقامتگاه بماند.

شد شهید و سعادتی دریافت*

به احترام «نوجوانان»ی که مداد را رها کردند و سلاح به‌دست گرفتند برای دفاع از وطن

حمیدرضا محمدی

مجاهدان به تیغ سه‌اند: کوشنده مأجور و خسته مغفور و کشته شهید.
خواجه عبدالله انصاری

به این چهره‌ها نگاه کنید؛ همه برنا، همه رعنا، همه فتا. این نوجوانان، سروهای رشید و شادابی بودند برای خود. سرحال و سرخوش و سرکیف. پر از تازگی و طراوت. بسامان و به‌رونق. همه‌شان امیدهای آینده این سرزمین بودند. اما دشمن که حمله کرد، غیرت و حمیت‌شان یکسره شد حفاظت و حراست از عزت ایران. بعضی‌شان حتی به سن قانونی هم نرسیده بودند، اما عقل‌رس بودند و صاحب بلوغ و نبوغ. پس در سجل‌شان دست بردند تا بتوانند درس و مدرسه را به کناری گذارند و راهی جبهه شوند. خودکار و مداد را رها کردند و سلاح به‌دست گرفتند. بیم و باکی در دل نداشتند. همه نوجوانانی بودند دلیر و شجیع. تنها به پاسبانی و پاسداری از مام وطن می‌اندیشیدند. اصلا مرگ در راه خدا را شیرین‌تر از هرچیزی می‌دانستند. سر نترسی داشتند نوجوانان آن‌روزگار. نه از جراحت پروا داشتند و نه از اسارت واهمه. وجودشان سرشار و سراسر بود از شور و شوق نوشیدن شربت شهادت. و آن سال‌های جنگ تحمیلی، نشان داد که حماسه را همینان ساختند. اینان بودند که دفاع کردند و ایستادند و استقامت ورزیدند و بر آنچه به آن ایمان عمیق و وثیق داشتند، استوار ماندند و پای فشردند و دمی از آن عدول و نزول نکردند. نام این تازه‌رسان و نوجوانان تا همیشه بر تارک تاریخ ایران‌زمین می‌درخشد و آیندگان یادشان را به تیمن و تبرک ارجمند و ارزشمند خواهند داشت؛ چه، آنان در مصاحبت و مجالست و مؤانست‌اند با «الحَسَنُ و الحُسَینُ سَیدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنّه».

* مصراعی سروده هاتف اصفهانی

دغدغه

کتاب‌های اجاره‌ای

شهر کتاب‌های شیک و پیک باشد یا فروشگاه‌های ردیف‌شده در خیابان انقلاب یا حتی مغازه‌های کتابفروشی محلی که تا سقف تویش کتاب چیده شده، فرقی نمی‌کند؛ اگر جایی برای خرید کتاب تخفیف درست و حسابی ندهد، به درد خیلی‌ها نمی‌خورد. قیمت این نسخه‌های کاغذی آنقدر بالا رفته که خرید کردن از هر کدام از این فروشگاه‌ها را سخت کرده است. آنهایی هم که تمرکزشان بالاتر است و سراغ نسخه‌های الکترونیکی و صوتی می‌روند می‌دانند که برای خواندن کتاب توی صفحه گوشی یا روی مانیتور هم باید پول زیادی پرداخت کرد.

همه اینها باعث شده که برخی از فروشندگان، کتاب‌هایشان را با مبالغ پایین‌تری اجاره بدهند. مثلا قیمت خرید نسخه چاپی و نسخه الکترونیکی یک کتاب حدود ۶۰هزار تومان است که قیمت اجاره این کتاب برای ۳۰روز می‌شود ۱۴هزار تومان و برای ۳روز تنها ۵هزار تومان! یا قیمت یک کتاب زبان ۴۲۰هزار تومان است که با تخفیف، ۲۳۱هزار تومان به فروش می‌رسد، اما شما می‌توانید تنها با ۲۹هزار تومان، ۳روز این کتاب را در اختیار داشته باشید. البته این را هم بگوییم که اگر کتابی را برای مدت طولانی‌تر بخواهید، باید اجاره بیشتری بدهید.

بی‌شک این امکان خیلی خوبی به‌ویژه برای دانشجویان و دانش‌آموزانی است که مجبورند کتاب‌هایشان را با هزینه بسیار بالایی خریداری کنند، چون منابع دانشگاهی اکثرا بیش از یک ترم استفاده نمی‌شوند و از آنجا که قیمت‌های بالایی دارند، دانشجویان را با مشکل مواجه می‌کنند. اگر اجاره کتاب برای منابع دانشگاهی جا بیفتد و بیشتر منابع را نیز شامل شود، کار دانشجویان هم راحت‌تر می‌شود. کسانی که علاقه وافری به کتاب دارند و یک‌تنه سرانه مطالعه را بالا می‌برند هم با این امکان می‌توانند کتاب بیشتری بخوانند و پول کمتری خرج کنند.

به غیر از همه اینها، اجاره کتاب باعث می‌شود که از کاغذ کمتری استفاده کنید و به این صورت کمی هم به محیط‌زیست کمک کرده باشید. ضمن اینکه یک کتاب را چندین نفر می‌توانند بخوانند و همین باعث قطع کمتر درختان می‌شود، از طرف دیگر شما یک کتاب را شاید بیشتر از یک‌بار نخوانید و خرید آن برایتان ضرورتی نداشته باشد.

بوک مارک

من قاتل پسرتان هستم

احمد دهقان

هر سه با ترکش‌های یک توپ زخم برداشته بودیم و باهم آورده بودند ما را پشت جبهه جنگ و آن بیمارستان. ترکش شکمم را پاره کرده بود و مجبور شده بودند نیم متر از روده‌هایم را کوتاه کنند. میرزا هر دو پایش از زیر زانو قطع شده بود و داوود چشمانش ترکش خورده بود که دکترها می‌گفتند خوب می‌شود، اما هر دو چشمش را بسته بودند.

هر سه روی تخت افتاده بودیم و نمی‌توانستیم از اتاق بیرون برویم. تنها سرگرمی‌مان نگاه کردن از در نیمه باز اتاق بود و دیدن تخت‌های روان که پرستارها آنها را از این‌سو به آن‌سو می‌کشاندند.

مجروحان را یک‌راست از خط مقدم نبرد به بیمارستان‌های پشت‌جبهه منتقل می‌کردند و به همین‌خاطر آنهایی که تازه‌وارد بودند، هنوز لباس جنگ تن‌شان بود با خون‌های دلمه بسته روی صورت و بدن.

دیالوگ

آژانس شیشه‌ای

ابراهیم حاتمی‌کیا

سلحشور: مربی شما بعد جنگ سینما زیاد می‌رفتی نه؟ آخه برادرمن، اینجا که تگزاس نیست!
احمد: آقای سلحشور! اجازه می‌دید ما دو کلوم حرف بزنیم؟
سلحشور: تو حرف نمی‌زنی، تو داری لاس می‌زنی! آخرشو بهش بگو، ته خطو.
احمد: ته خطی وجود نداره سلحشور، حاج کاظم فرمانده گردان بوده، عباس هم از بچه‌های جنگه.
سلحشور: خوب دیگه بدتر! جرم خودی‌ها که بیشتر از غریبه‌هاست. واسه این مملکت که هزار تا دشمن داخلی و خارجی داره، از صبح تا شب داریم جون می‌کنیم؛ می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ بعد آقا، خودی، شب عیدی می‌یاد اسلحه‌رو می‌ذاره رو شقیقه ما! این یعنی عدالت؟ چند تا جوون خونشون [رو] برا آرامش این مملکت از دست داده باشن خوبه؟ چند تا؟ دِ بگو، خب بگو دیگه. [خطاب به حاج کاظم] یه ذره فکر کنی از کارت خجالت می‌کشی!

جدول اعداد | ۴۵۸۳

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

۶			۹		۳			۲
		۴		۸		۶		
	۳						۹	
	۹	۲	۳		۵	۴	۱	
			۸		۲			
	۷	۳	۱		۴	۸	۲	
	۸						۷	
		۵		۱		۲		
۷			۴		۹			۵

متوسط

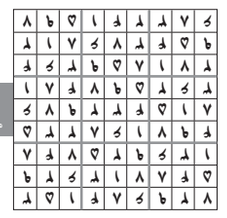

سخت

		۵	۲					
۴	۹			۵			۲	
			۳		۱			
		۷					۵	۶
				۶				
۲	۱					۸		
			۸		۷			
	۳			۱			۹	۴
					۲	۱		

متوسط

	۲				۴			
		۸		۱				۹
	۳	۶				۷		
۴				۶				۵
			۴		۲			
۳				۹				۱
		۱				۳	۶	
۹					۷		۸	
			۲				۹	

ساده

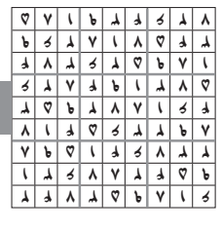

سخت

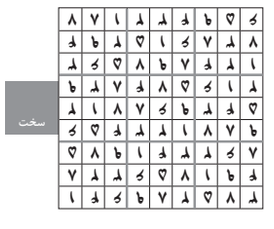

جدول ۸۸۹۱

افقی:
۱- قطعه مکانیکی برای تبدیل حرکت دورانی به حرکت رفت‌وبرگشتی - بی‌نظیر - طرز و شیوه
۲- از معجزات حضرت موسی(ع) - چیره و غالب - نوعی بیماری پوستی
۳- سیمی با ولتاژ صفر - جاری - ماگنت
۴- یازده - از ظروف آشپزخانه - اشخاص
۵- ساز موسیقی افغانستان - کفایت‌کننده - اسب سرکش
۶- جسمی - محبوب - رهبر استقلال هند
۷- مباح - مبتکر - ۱۰۰متر مربع
۸- نوعی خطکش - شلوغی همراه با سروصدا - صوت
۹- تکرار حرفی - هدایت‌شدن - ستاره‌شناس انگلیسی قرن هجدهم
۱۰- قلعه الموت را ویران کرد - مناسب تشریفات - نوزادی که به اذن خدا در گهواره سخن می‌گفت
۱۱- منتشرکننده کتاب - بی‌رونق - درختی در بهشت
۱۲- بی‌موقع - شهری در استان کرمان - حرف همراهی عرب
۱۳- میوه گرمسیری - بیماری کم‌خونی - سوره هفتادوهشتم قرآن
۱۴- زربفت - واژه‌ای که در جمله بعد از حرف اضافه می‌آید - بهبود زخم
۱۵- منجمد - پرخاش - ضیافت

عمودی:
۱- بصیر - نواختن یک قطعه موسیقی بدون آمادگی و تمرین قبلی
۲- نام چند تن از پادشاهان انگلیس بود - چشم دلفریب - قیمت
۳- خطایی در بسکتبال - نامرغوب - دوستی و رفاقت
۴- حرف ندا - سامانه‌ای در سیستم بانکی برای انتقال پول - پرده سینما
۵- اسباب نواختن سنتور - تکیه‌کلام درویش - سلول جنسی بالغ
۶- روکش - گوشه‌نشینی - کم‌کردن
۷- اصطلاحی در شطرنج - محل آموختن درس - نوعی عکاسی تبلیغاتی
۸- نیک‌بختی - پایتخت جمهوری دمکراتیک کنگو - بیسواد
۹- شخص - بیشتر - روزآمد
۱۰- جبران کردن - اعلان - پیشوا
۱۱- پاکیزه‌تر - هر سنگ قیمتی - اصطبل
۱۲- ناگزیر - درک و فهم - زمینه
۱۳- کتاب آدولف هیتلر - مهم‌ترین نماد مسیحیت - پدربزرگ
۱۴- جنگ و نبرد - دوستی - محافظ سیم‌های برق و تلفن
۱۵- خوشنویس و شاعر سده سیزدهم که آرامگاهش در شاهچراغ است - دارای فرهنگ خرافی

حل جدول شماره ۸۸۸۹